

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

سخنرانان:

امید رحیمی (پژوهشگر مؤسسه مطالعات راهبردی شرق)

دکتر مهدی صادقی شاهدانی (رئیس دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع))

عضو پنل:

سید محمدحسین ملائک (سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در چین)

دبیر جلسه:

دکتر علی متوسلی (عضو هیئت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)

۱۴۰۰/۰۸/۱۰

مطالب مندرج در این گزارش منحصرآ گفته‌های سخنرانان است و به هیچ‌وجه منعکس‌کننده نظر مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی نیست.



نکات اصلی

- سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان با کارکرد امنیتی در موضوع مرزها و چارچوب همسایگی شکل گرفت که به تدریج در حوزه‌های ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومی گسترش یافت.
- عضویت ایران در این سازمان و سازمانها و پیمانهای مشابه برای کشور مفید است. تسریع در تکمیل فرایند عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای مهم است.
- شرط لازم انتفاع از عضویت در این سازمان فعال بودن ایران در تعامل با اعضا و تداوم این فعالیت است.
- بکارگیری دیپلماسی اقتصادی برای فعال سازی ظرفیتها و سازوکارهای سازمان همکاری شانگهای می تواند در میان مدت و نه کوتاه مدت، منافع اقتصادی مورد نظر ایران را در حوزه های بانکی، انرژی، کشاورزی و استارتاپی حاصل کند.
- موضوع منطقه گرایی و مشارکت در اجلاس های چندجانبه باید به عنوان یک اصل مهم در سیاست خارجی ما مورد توجه واقع شود.
- ارتقای کیفیت و استانداردهای محصولات صادراتی و افزایش رقابت پذیری آنها در بازارهای منطقه تاثیر فراوانی در بهبود صادرات ما به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اوراسیا خواهد داشت.

نشست "عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای" با سخنرانی آقایان امید رحیمی (پژوهشگر مؤسسه مطالعات راهبردی شرق) و دکتر مهدی صادقی شاهدانی (رئیس دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)) و با حضور آقای سید محمدحسین ملائک (سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در چین) به عنوان عضو پنل و با شرکت جمعی از کارشناسان و علاقه‌مندان در تاریخ ۱۰/۰۸/۱۴۰۰ به صورت آنلاین برگزار گردید.

دکتر علی متوسلی

چندی پیش، خبر عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای منتشر شد و اظهارنظرهای مختلف و متفاوتی در پی داشت. عده‌ای از ناظران که به نتایج این عضویت خوش‌بین‌تر هستند، معتقدند که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی، گشایشی را برای کشور به دنبال دارد. به ویژه با توجه به نقش چین در این سازمان و رویکردی که ایران در همکاری بیشتر با چین دارد، عضویت ایران می‌تواند شرایط سیاسی و اقتصادی را در عرصه بین‌المللی برای کشور بهبود بخشد. اما عده‌ای دیگر از ناظران کمی محتاطانه‌تر اظهار نظر می‌کنند و فرآیند عضویت ایران را امری زمان‌بر می‌دانند که می‌تواند محقق شدن نتایج این عضویت را به تعویق بیاندازد. به علاوه، آن‌ها این سازمان را بیشتر یک سازمان سیاسی با محوریت چین قلمداد می‌کنند که مزیت اقتصادی چندانی برای کشورهای عضو به همراه ندارد. از این رو، این نشست برای بررسی این دو دیدگاه و تشریح ابعاد گوناگون دیگری که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای دارد، برنامه‌ریزی شده است.

امید رحیمی

در دهه ۱۹۹۰، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مذاکراتی بین کشورهای چین، قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و روسیه برای حل و فصل اختلافات مرزی قدیمی بین چین و شوروی سابق و غیر امنیتی‌سازی مرزها شکل گرفت که منجر به انعقاد پیمان شانگهای ۵ شد. در سال ۲۰۰۱، ازبکستان نیز به این جمع اضافه و در همین سال، پیمان شانگهای تبدیل به یک سازمان شد. در سال ۲۰۰۵ نیز برای اولین بار اعضای ناظر جدید شامل کشورهای ایران، مغولستان، هند و پاکستان به این سازمان ملحق شدند. با عضویت دائم هند و پاکستان و عضویت ناظر افغانستان و بلاروس، اکنون گستره جغرافیایی این سازمان افزایش یافته و آن را از یک سازمان در ابعاد همسایگی و منطقه‌ای به یک سازمان بین منطقه‌ای تبدیل کرده است.

اهداف شکل‌گیری سازمان شانگهای شامل سه هدف امنیتی، سیاسی و اقتصادی بوده است. در بحث امنیتی، مبارزه با تروریسم به طور جدی دنبال می‌شود و یک مرکز مبارزه با تروریسم نیز در شهر تاشکند بوجود آمده است. موضوعاتی مانند قاچاق مواد مخدر، جدایی طلبی و همکاری‌های نظامی - دفاعی از اهداف امنیتی دیگر سازمان اعلام شده است. در حوزه سیاسی، همکاری و همگرایی سیاسی به صورت رسمی مطرح شده است ولی به گفته بعضی از تحلیل‌گران، ایده‌هایی برای بازتعریف نظم بین‌المللی نیز در شانگهای وجود دارد. در مبحث اقتصادی نیز حوزه‌های مختلفی مانند حوزه بانکی، انرژی، گمرکی، ترانزیت و کشاورزی مطرح شده است.

پس از پذیرفته شدن ایران به عنوان عضو ناظر در سال ۲۰۰۵، ایران خواهان عضویت دائم در سازمان نیز شد اما این امر با موانع حقوقی و سیاسی مواجه بود. از نظر حقوقی، تحریم‌ها مانع اصلی عضویت دائم ایران بود. در یکی از بندهای آیین‌نامه عضویت دائم اعضا در سازمان همکاری شانگهای به طور شفاف آمده است که کشور خواهان عضویت دائم در سازمان نباید تحت هیچ

تحریمی از سوی شورای امنیت سازمان ملل باشد. در حالی که از سال ۲۰۰۶ اولین تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران آغاز و تا سال ۲۰۱۲ چندین قطعنامه در این حوزه علیه ایران صادر شد. بنابراین ایران به علت تحریم، امکان عضویت در سازمان شانگهای را نداشت. این موضوع نشان می‌دهد که شانگهای نگاه تجدیدنظرطلبانه نسبت به نظم بین‌المللی ندارد و ساختار فعلی شورای امنیت و سازمان ملل را پذیرفته و به آن پایبند است.

در کنار این مانع، یک سد سیاسی هم بر سر راه عضویت دائم ایران وجود داشت. از سال ۲۰۰۱ به بعد، روندی فزاینده از همکاری بین روسیه و چین با آمریکا در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفت. مهمترین نمود این قضیه در افزایش مبادلات تجاری این دو کشور با آمریکا دیده می‌شود که در پس آن، روابط سیاسی بسیار نزدیکی را هم یادآور می‌شود که طبیعتاً سدی سیاسی برای عضویت ایران تلقی می‌گردد. از سال ۲۰۰۶ به بعد، چندین موضوع جدی و حاد از نگاه غربی‌ها وجود داشت. یکی مسئله هسته‌ای ایران بود که چین و روسیه نیز نگران آن بودند. دیگری مسئله محور مقاومت بود که در این سال‌ها رشد و توسعه کیفی و کمی حوزه‌های عملیاتی آن در منطقه، سطح تنش‌های ایران و غرب را بالا برد. نگاه چین و روسیه به این موضوع از منطق هزینه و فایده پیروی می‌کرد و چون عضویت ایران برای این دو کشور هزینه‌هایی بیشتر از فوایدش را داشت، آن‌ها در آن دوره تمایل نداشتند که چنین سطحی از هزینه‌ها را برای ایران بپردازند.

در دولت یازدهم ایران خواستار کاهش تنش‌ها با غرب شد و نگاه‌های ضد آمریکایی اندکی کاهش یافت. با به نتیجه رسیدن برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد که به موجب آن قطعنامه‌های تحریمی قبلی این شورا تعلیق می‌شد و این امر سد حقوقی بر سر راه عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای را درهم می‌شکست.

در حوزه سیاسی با به قدرت رسیدن آقای ترامپ، تحولاتی در عرصه جهانی و در روابط آمریکا با چین و روسیه اتفاق افتاد. خروج آمریکا از برجام به طور جدی موانع سیاسی عضویت ایران در شانگهای را تحت تاثیر قرار داد که خوشایند چین و روسیه هم نبود. در این میان، تنش‌های بین چین و آمریکا نیز بالا گرفت. جنگ تجاری بین این دو کشور از هنگامی که آقای ترامپ شروع به کار کرد آغاز شد. در کنار آن، چند موضوع امنیتی و سیاسی نیز مانند دریای چین جنوبی، تایوان و هنگ‌کنگ به وجود آمد. همه این موضوعات بیانگر رویکرد تهاجمی آمریکا در قبال چین است که تا پیش از آن چندان آشکارا نشان داده نمی‌شد.

رویکرد تهاجمی آمریکا در قبال روسیه نیز با بحران اوکراین نمایان گشت. روسیه تحت تحریم‌هایی شدید از طرف آمریکا قرار گرفت و تنش‌های نظامی بین این دو کشور تشدید شد. در نتیجه، چین و روسیه دیگر آن نگاه ضد آمریکایی را پرهزینه نمی‌دیدند و خودشان نیز در مقابل روندی که آمریکا در پیش گرفته بود، یک گارد تدافعی داشتند. ایران هم پس از خروج آمریکا از برجام و ناتوانی سه کشور اروپایی در عمل به تعهداتشان یک استراتژی نگاه به شرق ایجابی را در دستور کار قرار داد که توافق‌نامه همکاری‌های استراتژیک جامع ایران و چین و توافق‌نامه تجارت ترجیحی ایران و اوراسیا یکی از مصادیق این موضوع بود. همچنین، طبق استراتژی دولت سیزدهم یعنی گسترش روابط با همسایگان، پیش‌بینی می‌شود که این نگاه به شرق و اوراسیا تقویت شود.

همه این رویدادها عضویت ایران در شانگهای را تسهیل کرد اما در سال ۲۰۱۷ در یک اتفاق غیر منتظره، درخواست ایران با مخالفت تاجیکستان به دلیل اختلافات تهران و دوشنبه پیرامون حزب نهضت اسلامی مواجه شد. در سال ۲۰۱۹ این اختلافات به مرور مرتفع گشت و چند ماه قبل نیز تاجیکستان اعلام کرد که مخالفتی با این امر ندارد و بدین ترتیب فرآیند عضویت دائم ایران آغاز شد.

در آیین‌نامه پذیرش اعضای جدید شانگهای به طور کلی سه مرحله وجود دارد. مرحله اول، فرآیند ابتدایی عضویت و جلب موافقت همه اعضاء می‌باشد که اکنون ایران آن را گذرانده است. پس از آن، در مرحله دوم پروسه‌ای پیچیده تحت عنوان "تصویب تفاهم‌نامه" وجود دارد که برای دو کشور هند و پاکستان حدود دو سال طول کشید. پس از تصویب تفاهم‌نامه، دسترسی به اسناد محرمانه داخلی شانگهای برای کشور جدید امکان‌پذیر است و در تمام جلسات می‌تواند شرکت کند اما همچنان حق رای ندارد. مرحله سوم، راستی‌آزمایی تعهدات کشور جدید است که پس از اطمینان از آن، به کشور جدید حق رای اعطا می‌گردد و به عضویت دائمی در می‌آید.

بنابراین دوره‌ای که یک کشور از عضو ناظر به یک عضو دائم تبدیل می‌شود را می‌توان "دوره گذار" نامید که به طور طبیعی با بیم‌ها و امیدهایی همراه است. مانع‌زایی رقبا، اهرم‌انگاری چین و روسیه، تحریک بازیگران کوچک به امتیازگیری و تحریک بازیگران میانی به موازنه منطقه‌ای از جمله بیم‌هایی است که در دوره گذار می‌تواند رخ دهد. بسیاری از کشورها علاقه ندارند که ایران عضو دائم شانگهای شود. برای مثال، رژیم صهیونیستی مخالفت شدیدی کرد و لابی‌های سنگینی با روسیه و کشورهای دیگر برای ممانعت از عضویت دائم ایران انجام داد. آمریکا هم طبیعتاً با این قضیه مخالف است و از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و نخواهد کرد.

در آیین‌نامه پذیرش عضو جدید آمده است که کشوری که می‌خواهد عضو شود نباید وارد هیچ مناقشه مسلحانه‌ای با کشور ثالث باشد. این موضوع می‌تواند موانعی را برای ایران ایجاد کند. بنابراین هرچه دوره گذار کوتاه‌تر شود به نفع ایران است. البته این یک شرط حقوقی است و اراده سیاسی بر آن غالب می‌باشد.

ما در حیطه‌ها و حوزه‌های مختلف مانند مذاکرات برج‌امی با روسیه و چین دخیل هستیم. بنابراین ممکن است این دو کشور از عضویت ایران در شانگهای به عنوان یک اهرم در تعاملات خود با آمریکا و تعاملاتی که ایران نیز مستقیم در آن دخیل است، استفاده کنند.

تحریک بازیگران کوچک به امتیازگیری مانند اتفاقی که در مورد تاجیکستان رخ داد می‌تواند یک مانع برای ایران باشد. همچنین ممکن است که بازیگران بزرگ از فرآیند عضویت ایران به عنوان یک اهرم برای موازنه‌های منطقه‌ای استفاده کنند که شاید بتواند بیشترین نمود آن را در موضوع افغانستان دید.

در کنار تمام این ملاحظاتی که وجود دارد آیا می‌توان گفت که این دوره هیچ مزیتی برای ما ندارد؟ مسلماً خیر. این دوره مزیت‌هایی برای ما دارد که عموماً سیاسی هستند. آغاز فرآیند عضویت ایران در شانگهای یک دست برتر در مذاکرات برج‌امی به ایران می‌دهد و از استراتژی نگاه به شرق تصویر بهتری را منعکس می‌کند. همچنین جایگاه ایران در پلتفرم‌های صلح در افغانستان را ارتقا می‌دهد چون تقریباً تمامی همسایگان افغانستان بجز ترکمنستان که بی‌طرف است، عضو شانگهای نیز هستند.

بر اساس اسناد و تفاهم‌نامه‌های داخلی شانگهای می‌توان استراتژی توسعه کارکردی شانگهای را استخراج کرد. شانگهای به عنوان یک سازمان با کارکرد امنیتی در موضوع مرزها و چارچوب همسایگی شکل گرفت که به حوزه سیاسی و ژئوپلیتیک گسترش پیدا کرد. بعد از آن بعضی اسناد در حوزه‌های فرهنگی، علمی و آموزشی به تصویب رسید و در سال‌های اخیر هم، اسنادی اقتصادی در زمینه ترانزیت و گردشگری امضا شد. بنابراین کارکردهای ژئواکونومی، ژئوکالچر و ژئوپلیتیک به بازتولید امنیت نیز کمک می‌کند که هدف اولیه تاسیس سازمان بوده است.

دکتر مهدی صادقی شاهدانی

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای هم برای حال و هم برای آینده ایران مهم است. کشور ما در مقطعی قرار دارد که فشارهای قابل توجهی به آن وارد می‌شود تا نتواند با منطقه و دنیا ارتباط اقتصادی برقرار کند. در شرایط کنونی و همچنین در چشم‌انداز آینده کشور، موضوع دیپلماسی اقتصادی، پاشنه آشیل ما خواهد بود. اگر بخواهیم مشکلات اقتصادی را مرتفع کنیم باید راهبرد دیپلماسی اقتصادی را در کنار سایر راهبردها به کار گیریم. شاه‌رگ اساسی تورم، بیکاری، کاهش تولید و کاهش سرمایه‌گذاری، موضوع مهم دیپلماسی اقتصادی است. حرکت در این مسیر سخت، اراده‌ای آهنین را از جانب دولتمردان، بخش خصوصی و سیاست‌گذاران می‌طلبد.

اگر تولیدکننده مشکلاتی نظیر نقدینگی و تهیه مواد اولیه را نداشته باشد و بخواهد با حداکثر ظرفیت تولید کند، بزرگترین چالش پیش روی او فروش محصولات است که بازار داخلی کشش مناسب را برای تامین تقاضای پایدار برای تولیدات داخلی ندارد و بازارهای خارجی را هم برای این کار چندان فعال نکرده‌ایم. بنابراین باید به دنیای بیرون متصل شویم و برون‌گرایی و دیپلماسی اقتصادی را در دستور کار قرار دهیم. فروش نفت در گذشته موجب عدم توجه به دیپلماسی اقتصادی شده بود اما با قطع فروش نفت، اقتصاد با چالش‌های متعددی مانند کمبود مواد اولیه و نهاده‌های تولید و افزایش هزینه‌های تولید مواجه گشت. اگر پیش از این دیپلماسی اقتصادی به کار گرفته می‌شد، بسیاری از این مشکلات پیش نمی‌آمد. با وجود اینکه در برخی محصولات، مازاد تولید داریم، اما کار طاقت‌فرسایی را باید دنبال کنیم تا بتوانیم این تولیدات را به بازارهای هدف برسانیم و بفروشیم.

سازمان همکاری شانگهای و سایر معاهدات بین‌المللی می‌تواند به ما کمک کند که در مسیر مطمئن‌تری از بازاریابی بین‌المللی قدم برداریم. برنامه پیاده‌سازی دیپلماسی اقتصادی را از طریق سازمان شانگهای عملیاتی می‌دانم اما نه در کوتاه‌مدت. از سازمان شانگهای در حد خودش باید انتظار داشته باشیم. آیا سازمان شانگهای می‌تواند فرصت اقتصادی مناسبی را برای ما فراهم کند تا بتوانیم بر اساس آن دیپلماسی اقتصادی را پیاده‌سازی کنیم؟ بله اما چند شرط دارد. این کار به تلاش مضاعف و فعالیت‌های دیپلماتیک موثرتر دارد که بتوانیم انتظاراتمان را از این سازمان در آینده برآورده کنیم. در دیپلماسی اقتصادی نیاز به همکاری‌های پولی و بانکی، استفاده از پول‌های ملی در مبادلات، همکاری کسب و کارها، فعال بودن مناطق آزاد تجاری و همچنین تبادلات تجاری تهاتری داریم که باید دید آیا در سازمان شانگهای ظرفیت‌هایی از این دست مورد توجه قرار گرفته است یا خیر؟

حدوداً ۱۹ هزار میلیارد دلار ظرفیت تولید در سازمان شانگهای است که ۲۴۰۰ میلیارد دلار آن ظرفیت وارداتی است و حدود ۳۴۰۰ میلیارد دلار آن به صادرات اختصاص دارد. بنابراین اگر مجبور به تجارت تهاتری شویم می‌دانیم که در ازای تامین نیاز کشورهای عضو شانگهای می‌توانیم بخشی از کالاهای صادراتی آنها را برای تامین نیاز خود به کشور وارد کنیم. کشورهای عضو شانگهای حدود ۱۱۹ میلیارد دلار صادرات انرژی دارند و تقریباً ۴ برابر این رقم را وارد می‌کنند. از آنجا که ما در دنیا از نظر منابع نفت و گاز رتبه اول را داریم، می‌توانیم با صادرات این منابع، نیاز آنها را به انرژی تامین کنیم.

متأسفانه در سازمان شانگهای روند همگرایی اقتصادی بر ایجاد رویه‌ها و مکانیزم‌ها متمرکز شده است و هنوز پیشرفت چندانی برای ایجاد همگرایی اقتصادی با وجود پتانسیل بالا به چشم نمی‌خورد. نهادهایی در سازمان شانگهای وجود دارد که می‌توان در جهت همگرایی اقتصادی از آنها استفاده کرد. برای مثال، کنسرسیوم بین بانکی در سازماندهی منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها کاربرد دارد و چین در راس تامین‌کنندگان این منابع مالی واقع شده است. از دیگر کارکردهای کنسرسیوم بین بانکی، تامین تعاملات با نهادهای مالی کشورها است که بازار سرمایه، بورس کالا و بورس انرژی ما به عنوان نهادهای مالی می‌توانند در

ارتباط با نهادهای کشورهای عضو قرار گیرند. پرداخت با ارزهای ملی و خارج کردن دلار از تبادلات بین کشورهای عضو از جمله فرصت‌های خوبی است که کنسرسیوم بین بانکی می‌تواند برای ما فراهم کند. پیشنهاد تشکیل بانک اوراسیا نیز می‌تواند در آینده اقتصادی سازمان شانگهای بسیار موثر باشد. همچنین در اجلاس ۲۰۲۱، وعده اعطای وام ۱۰ میلیارد دلاری داده شده است که تحقق آن برای ما می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

نهاد دیگر این سازمان، شورای کسب و کار است که در سال ۲۰۰۵ کار خود را آغاز کرد. هدف از تاسیس این شورا تسهیل همکاری موثر میان اعضا در حیطه‌های مختلف کسب و کار و ایجاد همکاری مستقیم و بی‌واسطه میان فعالان اقتصادی است. نهاد دیگر اقتصادی که در این سازمان مورد توجه است باشگاه انرژی است. متأسفانه باشگاه انرژی تاکنون چندان پرکار نبوده است و اگر ما کوشش کنیم می‌توانیم آن را فعال‌تر کنیم.

نهاد دیگری که در سازمان شانگهای به عنوان یک نهاد اقتصادی مورد توجه واقع شده، بانک توسعه شانگهای است. در سال ۲۰۱۶ پیشنهاد تاسیس این بانک داده شد که با مخالفت روسیه به سرانجامی نرسید. اخیراً این پیشنهاد توسط پاکستان مطرح شده است و اگر ما در کنار پاکستان برای تاسیس این بانک قرار بگیریم، با توجه به علاقمندی شدید چین به انجام این کار و ظرفیت تامین مالی قابل توجه آن، نتیجه خوبی برای ما حاصل خواهد شد.

متأسفانه نهادهای اقتصادی دیگری را در سازمان شانگهای مشاهده نمی‌کنیم اما ابتکاراتی که توسط اعضای مختلف شانگهای پیشنهاد شده است می‌تواند برای ما مفید باشد و ما با نقش‌آفرینی در آن‌ها می‌توانیم بهره لازم را ببریم و یا حتی ابتکارات خود را پیشنهاد داده و عملیاتی کنیم. این ابتکارات شامل پیشنهاد توسعه کوریورهای حمل و نقلی، رایزنی وزرای انرژی و صنایع، توسعه همکاری در کشاورزی هوشمند، راه‌اندازی نمایشگاه دائمی کشاورزی، تشکیل کارگروه ویژه استارت‌آپ‌ها و کارگروه فقرزدایی، تشکیل کنسرسیوم مراکز تحقیقات اقتصادی و سرانجام، ایجاد منطقه آزاد تجاری است که توسط کشورهای عضو شانگهای عملیاتی شده است.

سید محمدحسین ملائک

ما در هر پیمان منطقه‌ای، چه در محتویات آن با دیگر اعضا مشارکت کنیم و چه مشارکت نکنیم، باید به نوعی حضور داشته باشیم. چون عدم حضور ما به مراتب هزینه‌دارتر از حضورمان است. ما با حضور خود می‌توانیم شرایط و مقررات و برنامه‌هایی که در آن سازمان در حال شکل‌گیری است را به تمایلاتمان نزدیکتر کنیم. خود پرستی‌خیز حضور در یک سازمان منطقه‌ای یا بین‌المللی در اولویت اول قرار دارد و کارایی آن در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد. بنابراین موضوع منطقه‌گرایی و مشارکت در اجلاس‌های چندجانبه باید به عنوان یک اصل مهم در سیاست خارجی ما مورد توجه واقع شود.

سازمان همکاری شانگهای با ماهیت امنیتی و سیاسی تشکیل شد و هنوز هم بسیاری از کارکردهای آن امنیتی و درباره موضوعاتی مانند تروریسم است. این سازمان به شدت در ذیل رقابت چین و روسیه حرکت می‌کند و ما باید به این نکته توجه کافی داشته باشیم.

آمار تجارت کشورهای عضو سازمان شانگهای با ایران در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که حجم مبادلات تجاری ما با این کشورها در مجموع ۲۸ میلیارد دلار بوده که سهم صادرات ایران حدود ۱۴/۶ میلیارد دلار و سهم واردات آن ۱۳/۴ میلیارد دلار است. درد بالایی از این مبادلات با کشور چین است و حجم مبادلات ما با روسیه که یکی از محورهای همکاری ما در منطقه به شمار

می‌آید حدود ۱/۶ میلیارد دلار است. این در حالی است که حجم مبادلات ما با افغانستان ۲/۳ میلیارد دلار است. علت بیشتر بودن تجارت ما با کشورهایمانند افغانستان و عراق نسبت به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا، پایین بودن استانداردهای محصولات تولیدی ما است. کالاهای تولیدی ما قابلیت رقابت کمی در بازارهای خارجی دارند و تنها در این دو کشور که استانداردهای بالایی را اعمال نمی‌کنند می‌توانیم کالای خود را عرضه کنیم. بنابراین باید یک تحول اساسی در ارتقای کیفیت محصولات صادراتی خود و افزایش رقابت‌پذیری آنها در بازارهای منطقه ایجاد نماییم.